روزگار یک داوطلب

## گناه دیگران

شارمین میمندی‌نژاد*

● گرگِ انسان در فاصله پذیرایی و آشپزخانه در خون خود غلتیده بود. در پشت سد جنازه، وقتی که همه از ترس از خانه گریخته بودند، در انتهای آن مطبخِ پوکِ بی‌پخت‌وپز، دو چشم معصوم کودکانه در تاریکی مطلق، تنها انعکاسِ نورِ ترسِ قتلِ فجیعی را در خود داشت.

صبحگاهان وقتی که پلیس‌ها از جنازه عبور کردند، در همان کُنج آشپزخانه، کودکی ترسیده را دیدند که سراپا خونین، کاردی در دستِ تقصیر گرفته، زانوی غم در بغل، قتلی را به گردنِ تصمیمش آویخته و به سویی خیره مانده بود.

او را برای نخستین‌بار دیدم که در کارگاه کانون اصلاح و تربیت سخت کار می‌کرد تا خرج مادر، خواهر و همچنین پدر زمین‌گیرش را بپردازد. اولیای‌دم مقتول برایش حق خون را در تعهدی ناامن قسط‌بندی کرده بودند و هر آن ممکن بود جوان بر سر دارِ قصاص کشیده شود. در همان‌جا بود که قصدِ قسط‌شکنی کردیم و یکجا پول را پرداختیم. آنها نیز از خون آن کودک گذشتند.

بیرون که آمد، نجیبانه در طلافروشی یکی از حامیان جمعیت به تراشیدن دُر و گوهر مشغول شد. زبانش همچنان بسته بود از گفتن اتفاق آن شب تا که سال‌ها بعد در لحظه‌ای خلوت، در میان بازی کودکانه دختر خردسالش در اتاق، قفلِ غفرانِ لب نزد من گشود و گفت پدرم دیگر سایه‌ای بر سر خانواده نداشت و به اعتیاد افتاده و در پیش پای ساقی‌اش همه زندگی را به چوب حراج زده بود. ساقی پسر خانواده را مجبور به فروش مواد می‌کرد و مادر را مجبور به تن‌فروشی. حضور ملعونش در خانه، درد و ذلت و تاریکی دم‌به‌دم بود تا اینکه دخترِ کوچک خانه، قدی در نظرگیری هرز او کشیده بود. آن شب قرار بر تاراج خواهر بود که پسر ۱۴ساله خانواده به دایی‌اش زنگ می‌زند و زبانِ بسته بر حفظِ آبرو باز می‌کند که بیا و بنگر امشب قرار است خواهرم نیز به وضع مادرم دچار شود و تو چه دانی دایی‌جان که چه حالی بر ما رفته است، در این پاسوختگی و اعتیاد پدر؟ دایی که دانشجوی جوانی بود، به خانه آنان می‌آید. مادر خانواده را که خواهرش می‌شود، بر بساط بی‌غیرتی همسرش می‌بیند و آن سو گرگی در لباس انسان در کمین دخترک خانواده. جوان چاقویی ناشیانه می‌کشد و با او درگیر می‌شود. گرگِ انسان قلدر است و چموش‌تر از آنکه به ضربت دانشجو بر زمین بیفتد. فریاد دایی از گلویش که در پنجه ساقی است، بیرون می‌آید: «چاقو بیاور و بزنش، دارد خفه‌ام می‌کند!» و پسر خانه در آشپزخانه، کارد بطالتی می‌یابد، چند ضربه می‌زند تا گرگِ انسان، پنجه از گلوی دایی جوانش بردارد. وقتی که ساقی در خون خود می‌غلتد، پسرک در کُنج آشپزخانه پناه می‌گیرد و فریاد می‌زند: «دایی‌جان فرار کن! تو برو! تو را بگیرند، از درس‌خواندن می‌افتی» و دایی ترسیده، به کتاب‌های دانشجویی‌اش پناه برده بود و هیچ‌گاه سراغ خواهرزاده زندانی‌اش را نگرفت و خواهرزاده لب فروبست و بار این همه درد را بر گردنِ غیرتش گرفت.

تنها کاری که از من برمی‌آید، این است که اشک ناگهانم را پس از شنیدن داستانش به سرانگشت عجز می‌گیرم و می‌پوشانم که تو این همه سال گناه دیگران را در اعتیاد و تاراج خانواده‌ات، به تقاص معصومیت کودکانه‌ات پوشاندی.

*مؤسس جمعیت امام علی (ع)

بررسی «شرق» از خوب و بد استفاده مدارس از کمک‌های مردمی

# مدرسه‌های محتاج

عکس: جام‌جم

**شهرزاد همتی:** مطابق اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی، «دولت موظف است وسایل آموزش‌وپرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم کند و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد». منظور از وسایل آموزش‌وپرورش رایگان چیست؟ آیا تمام امکاناتی که یک مدرسه نیازمند آن است، با توجه به مشکلات اقتصادی انکارناپذیری که وجود دارد، می‌تواند با هزینه‌های دولتی فراهم شود. شما فکر می‌کنید یک مدرسه برای تأمین نیازهای خود ماهانه به چه میزان پول نیازمند است؟

### مدارس بدون مشارکت مردمی قادر به تأمین هزینه‌ها نیستند

به گفته مدیران مدارس، حتی تأمین هزینه‌های روزانه یک مدرسه بدون اتکا به کمک‌های مردمی، غیرممکن است. لاکانی، مدیر یک مدرسه متوسطه اول در خیابان طرشت تهران است؛ او به «شرق» می‌گوید: ما ۱۰ کلاس داریم. ۳۴۵ دانش‌آموز. با فروش بوفه مدرسه که ماهانه ۵۰۰ هزار تومان درآمد دارد، بخشی از هزینه‌های روتین مدرسه مثل آب و برق و تلفن و گاز را پرداخت می‌کنیم. اما مدرسه ما قدیمی است، رنگ‌کردن مدرسه، تعویض شیشه‌ها، تأمین وسایل ورزشی مثل توپ و بدمینتون و چیزهایی از این قبیل درمی‌مانیم. او در ادامه می‌افزاید: این وظیفه آموزش‌وپرورش است که شرایط تحصیل رایگان دانش‌آموزان را ایجاد کند اما خانواده‌ها باید بدانند که صرف رایگان درس‌خواندن، حل‌کننده نیست. یعنی اینکه یک ساختمانی باشد و معلم‌هایی که به بچه‌ها درس بدهند کافی نیست. مدرسه نیاز به پویاشدن دارد، مدرسه‌ای که بخواهد این حس را به بچه‌ها القا کند، به سر و وضعش برسد، اگر مدرسه دولتی باشد باید روی کمک‌های مردم حساب کند. چیزی که پذیرفتنش برای بسیاری از خانواده‌ها دشوار به نظر می‌رسد.

آموزش‌وپرورش دستورالعمل خاصی را برای دریافت کمک‌های مردمی ابلاغ نمی‌کند و همواره از اختیاری‌بودن این موضوع صحبت می‌شود. به اذعان مسئولان آموزش‌وپرورش کمک‌های خانواده‌ها به مدارس داوطلبانه اما ضروری است و در شرایطی که شیوه‌نامه خاصی در این رابطه وجود ندارد، مدارس در مناطق مختلف شهر به اختیار خود رقم‌های متفاوتی را تعیین و از خانواده‌ها دریافت می‌کنند. مبالغی که در بالای شهر بیشتر و در مناطق جنوبی شهر کمتر است.

این در حالی است که دریافت کمک‌های مالی از خانواده‌ها سال‌هاست در نبود سرانه‌های دولتی به یک رویه ثابت در مدارس دولتی تبدیل شده است و این موضوع آسیب‌هایی را نیز به‌همراه دارد. مدارس دولتی به‌دلیل نبود سرانه از خانواده‌ها کمک‌های مالی دریافت می‌کنند و همین مسئله منجر به بروز آسیب‌هایی شده است. از سوی آموزش‌وپرورش رقم خاصی برای دریافت کمک‌های مردمی اعلام نمی‌شود و مدیران مدارس به اختیار خود رقم‌های خاصی را اعلام می‌کنند و گاه مشاهده می‌شود یک مدیر حساب شخصی خود را برای دریافت کمک‌های مالی اعلام می‌کند که در برخی موارد شاهد تخلفاتی در این رابطه هستیم و پول‌ها حتی برای تجهیز مدرسه هزینه نمی‌شود و در این رابطه بحث نظارت‌ها باید قوی‌تر باشد.

### اداره ما را دور می‌زند

لواسانی، مدیر یک دبستان دخترانه در منطقه ۱۲ تهران است؛ او به «شرق» می‌گوید: هزینه آب و برق و گاز و تلفن مدرسه ماهانه یک میلیون تومان است. جدای از این مدرسه به صورت ماهانه خرج‌هایی مثل تعمیر پرینتر، مواد شوینده، اینترنت، تعمیرات را هم دارد. بوفه مدرسه ماهانه ۲۵۰ هزار تومان به ما می‌رساند که کفاف هزینه‌های مواد شوینده را هم نمی‌دهد. خب ما باید چه کنیم؟ باید دست یاری به سمت خانواده‌ها دراز کنیم. یعنی جز این چاره‌ای هم نداریم. بعد چه اتفاقی می‌افتد؟ خانواده به اداره آموزش‌وپرورش زنگ می‌زند و از ما شکایت می‌کند، بعد اداره به ما زنگ می‌زند که یک‌جوری پول را از مردم بگیرید که صدایشان در نیاید. یعنی ما هر سال در لوپ گرفتار می‌شویم و بیرون هم نمی‌آییم. مدرسه‌ای که خانم لواسانی مدیر آن است جزء فقیرترین مدارس تهران محسوب می‌شود او می‌گوید: «تنها کمکی که اداره آموزش‌وپرورش به مدارسی شبیه ما می‌کند سالانه ۳۰۰ هزارتومان است. در چنین شرایطی ما مجبوریم متوسل به انجمن اولیا و مربیان بشویم. خود من انجمن را تشکیل می‌دهم و از خود خانواده‌ها می‌خواهم که تصمیم بگیرند. اصلا هم در جلسات حضور پیدا نمی‌کنم که کسی احساس اجبار نداشته باشد. دکتر نورعلی عباسپور، مدیرکل انجمن اولیا و مربیان وزارت آموزش‌وپرورش، در گفت‌وگو با «شرق» درباره روند کمک‌های مردمی به مدارس می‌گوید: «ما قانونی تحت عنوان شورای عالی آموزش‌وپرورش داریم و مطابق ماده ۱۱، کمک‌های داوطلبانه مردمی مطابق قانون تصویب‌شده مجلس مورد اشاره قرار گرفته است. یعنی مجلس مصوبه‌ای دارد که مدرسه می‌تواند از مشارکت مالی مردم استفاده کند. اما این استفاده و مشارکت دارای شرایطی است؛ اول اینکه داوطلبانه باشد، دوم اینکه در فصل ثبت‌نام اتفاق نیفتد، سوم اینکه در قبالش رسید تحویل داده شود». او می‌افزاید: «بنابراین کمک‌های مردمی قانونی است، من بارها به این نکته اشاره کرده‌ام که به‌جای اینکه روی این مسئله فرهنگ‌سازی بشود و مشکلات مدارس حل شود و اولیا به یاری مدرسه بشتابند، عده‌ای تلاش می‌کنند که مقاومت اولیا را در برابر این کمک‌ها بالا ببرند. مسئله دوم اینکه در هر مدرسه‌ای که خدمات خوبی ارائه می‌شود و کیفیت مدرسه خوب است، معمولا مشارکت بالاست، یعنی وقتی خانواده اعتماد می‌کند و در مدرسه برای دانش‌آموز خدمات خوبی ارائه می‌شود، در چنین شرایطی گلایه و شکواییه از خانواده‌ها نمی‌گیریم، یعنی خانواده وقتی قانع می‌شود که کمکی که به مدرسه می‌کند صرف بچه‌اش می‌شود، دیگر در برابر کمک گارد نمی‌گیرد، اما شرایطی هم وجود دارد که خانواده نتیجه این کمک‌ها را نمی‌بیند، مثل زمانی که یونیفرم مدرسه را خود مدرسه تأمین می‌کند و خانواده وقتی به بیرون مراجعه می‌کند، می‌بیند قیمت ارائه‌شده از سوی مدرسه خیلی بالاتر است، در چنین شرایطی اعتماد خانواده سلب می‌شود. اگر اعتماد خانواده‌ها جلب شود، خانواده با آغوش باز پذیرای این مشارکت می‌شود». عباسپور خاطرنشان کرد: «این ماجرا به کیفیت نوع مدیریت مدرسه هم ربط دارد. در مدرسه‌ای ممکن است مدیر بتواند خانواده‌ها را قانع و کمک قابل قبولی هم برای مدرسه جذب کند، اما ممکن است مدیری در یک مدرسه حتی نتواند خانواده‌ها را برای جذب ۱۰ هزار تومان قانع کند. در واقع این مسئله چند وجه دارد. ما در آستانه هفته اولیا و مربیان هستیم. در مدرسه‌ای که انجمنی قوی شکل می‌گیرد و مردم نمایندگان خود را انتخاب می‌کنند، مشکلات کمتر می‌شود و انجمن خانواده‌ها را برای این مشارکت‌ها قانع می‌کند. در واقع ما باید فرهنگ‌سازی را هم به خود خانواده بسپاریم».

> **هزینه آب و برق و گاز و تلفن مدرسه ماهانه یک میلیون تومان است. جدای از این مدرسه به صورت ماهانه خرج‌هایی مثل تعمیر پرینتر، مواد شوینده، اینترنت، تعمیرات را هم دارد. بوفه مدرسه ماهانه ۲۵۰ هزار تومان به ما می‌رساند که کفاف هزینه‌های مواد شوینده را هم نمی‌دهد. خب ما باید چه کنیم؟ باید دست یاری به سمت خانواده‌ها دراز کنیم**

### مدارس به کمک‌های مردمی وابسته هستند

همچنین دکتر حسین طالب‌زاده، ریاست پیشین منطقه دو آموزش‌وپرورش و استاد دانشگاه فرهنگیان درباره لزوم اتکای مدارس به کمک‌های مردمی به «شرق» می‌گوید: «شکی در وابستگی مدارس به کمک‌های مردمی وجود ندارد. درحال‌حاضر منابع دولتی برای اداره مدارس محدود است، دوم اینکه از قدیم هم روال بر این بوده است که مدارس را مردم در شهرهای کوچک‌تر اداره می‌کردند و در شهرهای بزرگ‌تر هم با کمک‌های مردمی مدارس اداره می‌شده است. البته مطلوب‌ترین شرایط این است که دولت توانایی اداره مدارس را به نحو عالی داشته باشد، اما با وضعیت اقتصادی کنونی، به نظر نمی‌رسد که بتواند کمک خاصی کند. در واقع دولت جز قراردادن یک فضا به عنوان مدرسه، دیگر کار بیشتری نمی‌تواند بکند». طالب‌زاده به عنوان مدیر منطقه دو که آمار بالایی در جذب کمک‌های مردمی داشته، می‌افزاید: «جدا از هزینه‌ای که دولت برای حقوق نیروی انسانی‌اش پرداخت می‌کند، چیزی بین ۷۰ تا ۸۰ درصد هزینه‌های یک مدرسه را هم تأمین می‌کند. می‌ماند مابقی هزینه‌ها مثل هزینه‌های پشتیبانی مثل آب و برق و تلفن و ارتباطات و تجهیز آزمایشگاه مدرسه و وسایل ورزشی که چیزی حدود ۲۰ درصد کل هزینه‌هاست. اما به نظر من صرف گرفتن مشارکت مردمی کفایت نمی‌کند، بلکه ما باید اگر از مردم مشارکت می‌خواهیم، نگاه مشارکتی هم داشته باشیم و این‌طور نباشد که ما از مردم پول بگیریم ولی در نحوه هزینه‌کردش مشارکت نکنند. به عبارتی ۲۰ تا ۲۵ درصد هزینه را مردم تأمین کنند ولی درصدی هم در مدیریت مدارس دخالت نکنند. یعنی شکل موجود این است که این بخش، کل تصمیم‌گیری در رابطه با مدارس به صورت متمرکز گرفته می‌شود و مردم نقشی در آن ندارند، درحالی‌که اگر ما تقسیم منابع را هم به صورت درصدی نگاه کنیم، به همان درصد مشارکت مردمی، باید در مدیریت و نحوه اداره مدرسه مشارکت کنند. این مشارکت می‌تواند در نوع مدیریت مدرسه تا مشارکت در نیروی انسانی و ارتباط و... باشد».

طالب‌زاده در پاسخ به این سؤال که در دوران مدیریت خود چگونه خانواده‌ها را ترغیب به مشارکت می‌کرد، گفت: «ما در جلساتی که با مدیران مدارس داشتیم درخواست می‌کردیم با مردم شفاف صحبت شود، یعنی هم این گفته شود که دولت ۸۰ درصد سهم خود را می‌دهد و سیاه‌نمایی در کار نباشد و هم از مردم تقاضای کمک به صورت محترمانه شود و مردم نتیجه کمک را به چشم ببینند تا بدانند کمکشان چگونه و کجا خرج شده و تا درصد زیادی توانستیم موفق شویم مردم نتیجه را در کیفیت مسائل فرهنگی و آموزشی فرزندان خود حس کنند. شاید چند تا از مهم‌ترین نتیجه مشارکت‌های مردمی در منطقه دو این باشد که هیچ سالنی در منطقه دو برای برگزاری جلسات عمومی وجود نداشت و تنها چند مدرسه غیردولتی سالن برگزاری جلسه داشتند. در مدارس سالن‌هایی تحت عنوان سالن برگزاری امتحانات ساخته شده بود که فقط در همین حد بود که بتوانند امتحان در آن برگزار کنند. در یکی از مدارسی که مشارکت عمومی معمولا خوب صورت می‌گرفت، از مدیر خواستم هزینه‌هایی که از مردم درخواست می‌کند را به صورت شفاف برای افزایش کیفیت و فیزیک بگذارد. آنجا با همفکری اولیا در دو سال اول دو کار مهم اتفاق افتاد که کم‌نظیر بود و مدرسه توانست برای خود یک سالن اجتماعات ۳۰۰نفره مدرن طراحی و اجرا کند بدون آنکه ریالی از منابع دولتی بگیرد، دوم اینکه فضای فیزیکی مدرسه به قدری نوسازی شد که گویی مدرسه تازه ساخته شده بود. موضوع دوم در مدارسی که جنب خود فضایی در اختیار داشتند و سوله‌ای بود که به عنوان انبار ضایعات استفاده می‌شد؛ از مدیران خواسته شد با مشورت انجمن اولیا و مربیان سوله‌ها تبدیل به سالن ورزشی شود تا دختران دانش‌آموز و مادرانشان از آن استفاده کنند که البته اداره هم با آنها همکاری و ضایعات را از سوله خارج کرد و مدیران تلاش کردند یک سوله مدرن ورزشی داشته باشند». طبیعتا خانواده‌ها دلشان می‌خواهد بچه‌هایشان در شرایط بهتری درس بخوانند و برای این منظور مشکلی با پرداخت کمک‌های مردمی هم ندارند، اما مسئله اینجاست که آنها می‌خواهند نتیجه زدن از شکم فرزندان و پرداخت پول به مدرسه را ببینند. همه مردم ساکن مناطق ثروتمندنشین نیستند و اگر در مناطق محروم‌تر شهرها خانواده‌ها تغییرات را متوجه شوند، حتما با این تغییر همراهی می‌کنند. سال‌هاست که مدارس دولتی در نبود سرانه برای تأمین هزینه‌های مدرسه از خانواده‌ها کمک‌های مالی دریافت می‌کنند و خانواده‌ها نیز برای کمک به مدرسه محل تحصیل فرزندشان همراهی‌های لازم را انجام داده‌اند. برای حفظ این اعتماد مردم باید روند هزینه‌کرد مبالغ دریافتی از خانواده‌ها به صورت شفاف و ریز به آنها بازگو شود و از طریق واریز پول به حساب دولتی و اعمال نظارت‌های لازم با هرگونه سوءاستفاده‌های احتمالی که منجر به بدبینی و بی‌اعتمادی خانواده‌ها می‌شود، برخورد قاطعانه و جدی داشت.

مرامی سواری

## تمام چیزهایی که جایشان خالیست

زینب تبریزی

● همه ما وقتی پا به این جهان می‌گذاریم، همراه شادی‌ها، غم‌ها را هم تا ابد روی دوشمان می‌گذاریم و با خود حمل می‌کنیم. بزرگ می‌شویم، درس می‌خوانیم و دنبال اهداف و آرزوهایمان می‌رویم. خیلی‌هایمان ازدواج می‌کنیم و تشکیل خانواده می‌دهیم. همیشه امیدواریم و برای ساخت زندگی‌مان تلاش می‌کنیم. اما گاهی وقت‌ها چیزهایی را از دست می‌دهیم. با رفتن عزیزانمان از دنیا، جایی خالی می‌شود که با هیچ چیز پرشدنی نیست. روحمان به درد می‌آید و جسممان را درگیر خود می‌کند. غم‌ها و دردهای روحی عاملی می‌شوند برای دردهایی که هرگز تصورش را هم نمی‌کنیم. ناگهان در بدن خود حس می‌کنیم موجودی اضافی رشد کرده بی‌آنکه از ما پرسیده باشد. سلول‌هایی که کارشان را در بدن به درستی انجام می‌دادند، ناگهان به خاطر غم‌ها و استرس‌هایمان فرسوده می‌شوند. در یک گوشه جمع می‌شوند و شاید آنها هم عزادار مرده‌هایند. ناگهان بعد از چند آزمایش می‌فهمی بله، تو هم به سرطان دچار شده‌ای و اولین سؤالی که از خودت می‌پرسی، این است که چرا من؟ روزها برای خودت سوگواری می‌کنی، اما بعد از مدتی می‌فهمی کسی جز خودت این میهمان ناخوانده را نمی‌تواند از منزل بیرون کند.

از میان همه سرطان‌ها، سرطان پستان، شایع‌ترین نوع در میان خانم‌های ایرانی و در حدود ۲۴ درصد در آقایان است. سرطانی که گاهی با نقص عضو و تخلیه پستان تأثیرات روحی عمیقی بر خانم‌ها می‌گذارد. در بسیاری مواقع باعث ازدست‌رفتن بنیان خانواده می‌شود و برای خانم‌هایی که هنوز ازدواج نکرده‌اند، ترس از پذیرفته‌نشدن به وجود می‌آورد. به نوعی این بیماری مستقیما بر جنسیت زنانه تأثیر می‌گذارد و خیلی از خانم‌ها بعد از تخلیه عضو، حس می‌کنند زنانگی‌شان از دست رفته است و سال‌ها در غم ازدست‌دادن عضو تخلیه‌شده سوگوارند که همین سوگواری باعث حمله مجدد سرطان به عضوی دیگر می‌شود. بسیاری از دانشمندان علوم روح و روان و پزشکان روان‌شناسی، ریشه اصلی بسیاری از سرطان‌ها را مشکلات روحی و روانی قلمداد می‌کنند که به زعم نگارنده این یادداشت نیز مهم‌ترین دلیل ابتلا به سرطان همین موضوع است. به دلیل اهمیت و فراگیرشدن این سرطان در جامعه ایران و به پیشنهاد جناب آقای قاسم‌خان تشویق به ساخت فیلمی با این موضوع شدم. در ابتدا از زیر بار این مسئولیت طفره می‌رفتم چون خودم را فیلم‌ساز شهری می‌پنداشتم. اما بعد از مدتی و با آشنایی با زنان بهبودیافته سرطان پستان که به طور خودگردان در مؤسسه‌ای با همین نام فعالیت می‌کنند، دریافتم کسی که بیمار است منم نه آنها. کسی که سرطان را شکست می‌دهد، بعد از بهبودی، به معنای واقعی تک‌تک لحظه‌های زندگی را درک می‌کند، از آن بهره می‌برد و باقی عمرش را به بهترین شکل زندگی می‌کند. آن‌قدر تو را قوی می‌کند که تازه می‌فهمی دلیل حضورت در جهان چیست. اما سرطان روی تلخی هم دارد و آن مرگ است. بعضی‌وقت‌ها هرچقدر هم که مبارزه کنی، به خاطر خیلی از دلایل از جمله دیرتشخیص‌دادن و دیردرمان‌کردن بیماری، راهی جز خداحافظی با دنیا نداری و این واقعیت زندگی همه ماست که روزی و به طریقی باید هرآنچه داشته‌ایم را بگذاریم و برویم. «تمام چیزهایی که جایشان خالیست» نام فیلم مستند داستانی ماست که با موضوع سرطان پستان به درهم‌تنیدگی مرگ و زندگی می‌پردازد و روایتگر قصه دو زن از دو نسل مختلف است که به این بیماری دچار شده‌اند.

جدول ۲۹۴۵ ■ طراح: بیژن گورانی

**افقی:**

۱- کشیدن ماشه اسلحه- نویسنده فرانسوی رمان سرخ و سیاه ۲- خرقه درویشی- سیصد کیلوگرم- گاو شخم‌زن ۳- آیین‌های سنتی- جست‌وجوگر- واحد شمارش صابون ۴- وجود دارد- جنگ و کارزار- محصول نهایی سینما ۵- ضمیر سوم شخص- همبازی هاردی- غلاف شمشیر- نشانه صفت تفضیلی ۶- معطر- چرخه- پهنه دشت ۷- سوره بیست و ششم قرآن- نوعی ماهی استخوانی آب‌های شیرین- سرپرستی امور موقوفات ۸- فرمانده دلاور لشکر ۳۱ عاشورا در دفاع مقدس که در عملیات بدر به شهادت رسید ۹- بی‌اعتبار- عقیم- زنده به آب ۱۰- چین و چروک پوست- زندانبان- در را به چارچوب متصل می‌کند ۱۱- زیرپا مانده- مقابل شمال- نیم‌تنه بی‌آستین- نفی عرب ۱۲- تازه و جدید- تفنگ قدیمی- زرد مایل به سرخ ۱۳- نمایش‌نامه‌ای از فدریکو گارسیا لورکا- پنبه زن- مشهور ۱۴- پاک- متلاشی شده- نوعی اجاق برقی ۱۵- بیماری ذات‌الریه- فلزی درخشان و بسیار سمی.

**عمودی:**

۱- داستانی نوشته بزرگ علوی- ثروتمند مایکروسافت ۲- نور اندک و ضعیف- قبیله و طایفه- از اعمال حج ۳- ابزارها- خدای هندو- سمت راست ۴- آخرین سوره- چند لایحه- نعش ۵- نیروبخش- بسیار بی‌رحم ۶- رشته باریک- میزان مجاز زیربنای ساختمانی- جست‌وجوگر ۷- مردان عرب- معادل فارسی اقیانوس- عقاب سیاه ۸- تخمک- پهناورترین کشور آفریقا- روستای قدیمی کیش ۹- شمشیر دفاعی ژاپنی- شهری در استان فارس- عمق ۱۰- عبور و مرور وسایل نقلیه- بستر- مذکر ۱۱- بندری در اوکراین- اندازه صدای هر سیستم صوتی ۱۲- نویسنده تازه کار- نمایندگی- پیمان ۱۳- نمایش غم‌انگیز و خنده‌دار از رویدادهای زندگی- زیبا و جذاب- قابل مشاهده ۱۴- زمان گذشته بسیار دور- تشخیص‌دادن- کشوری درون خاک آفریقای جنوبی ۱۵- هزارتو- لباس متحدالشکل.

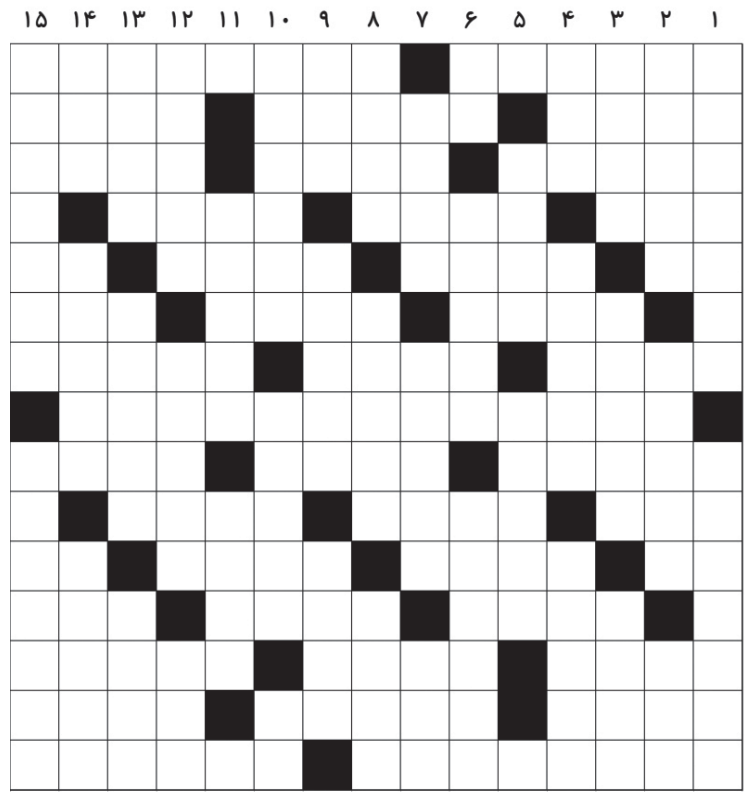

حل سودوکو سخت

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۹ | ۱ | ۴ | ۶ | ۵ | ۷ | ۲ | ۳ | ۸ |
| ۳ | ۷ | ۵ | ۸ | ۲ | ۴ | ۶ | ۹ | ۱ |
| ۲ | ۶ | ۸ | ۳ | ۹ | ۱ | ۷ | ۴ | ۵ |
| ۸ | ۴ | ۳ | ۷ | ۶ | ۵ | ۹ | ۱ | ۲ |
| ۵ | ۹ | ۱ | ۴ | ۳ | ۲ | ۸ | ۷ | ۶ |
| ۶ | ۲ | ۷ | ۱ | ۸ | ۹ | ۴ | ۵ | ۳ |
| ۴ | ۳ | ۲ | ۹ | ۱ | ۶ | ۵ | ۸ | ۷ |
| ۱ | ۵ | ۹ | ۲ | ۷ | ۸ | ۳ | ۶ | ۴ |
| ۷ | ۸ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۱ | ۲ | ۹ |

حل سودوکو ۱۹۴۰

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۸ | ۲ | ۳ | ۶ | ۴ | ۵ | ۷ | ۱ | ۹ |
| ۱ | ۵ | ۹ | ۳ | ۸ | ۷ | ۲ | ۶ | ۴ |
| ۶ | ۴ | ۷ | ۲ | ۹ | ۱ | ۸ | ۳ | ۵ |
| ۲ | ۶ | ۴ | ۷ | ۵ | ۸ | ۱ | ۹ | ۳ |
| ۹ | ۸ | ۱ | ۴ | ۳ | ۲ | ۵ | ۷ | ۶ |
| ۳ | ۷ | ۵ | ۹ | ۱ | ۶ | ۴ | ۲ | ۸ |
| ۷ | ۹ | ۲ | ۸ | ۶ | ۴ | ۳ | ۵ | ۱ |
| ۴ | ۱ | ۶ | ۵ | ۲ | ۳ | ۹ | ۸ | ۷ |
| ۵ | ۳ | ۸ | ۱ | ۷ | ۹ | ۶ | ۴ | ۲ |

جدول ۲۹۴۴

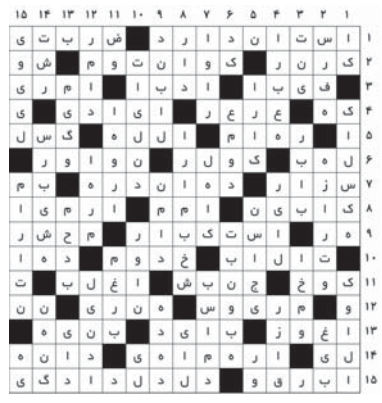

سودوکو سخت ۱۹۴۱

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | | ۵ | ۶ | ۳ | ۷ | | ۹ |
| ۷ | | | ۸ | | ۱ | | | ۶ |
| ۶ | | ۵ | | | | | | ۱ |
| ۳ | | | ۹ | | | ۲ | | |
| | | | ۶ | | ۸ | | ۷ | ۴ |
| | | | ۴ | | ۲ | | | |
| ۸ | | | ۷ | ۵ | | | | |
| | ۵ | | ۳ | | ۹ | | | |
| | | | ۱ | ۲ | | | | ۵ |

**قانون‌های حل جدول سودوکو:**

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۹۴۱

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | ۴ | | | ۸ | ۶ | | |
| ۹ | ۱ | | ۷ | ۳ | ۵ | | | |
| ۲ | ۳ | ۸ | | | ۴ | ۵ | | |
| ۶ | | ۷ | | ۱ | ۳ | | | |
| | | ۹ | | ۵ | ۲ | ۳ | ۷ | |
| ۳ | | | ۶ | | ۹ | ۴ | ۱ | |
| | ۵ | ۱ | | ۸ | ۶ | | ۴ | ۲ |
| | | | | ۹ | ۷ | | ۸ | ۵ |
| | ۹ | ۲ | | ۴ | | | | |

**سودوکو**

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.